شهرآرا
۲شنبه
۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۹ شوال ۱۴۴۶
شماره ۴۴۷۶
SHAHRARANEWS.IR



علی باقریان

که جمشید را هر دو خواهر بَدَند
سرِ بانوان را چو افسر[۱] بُدَند[۲]
ز پوشیده‌رویان[۳] یَکی شهرناز
دگر پاک‌دامن به نام اَرَنواز

بِد ایوانِ[۴] ضحاک بردندشان
بِدان اَژدَهافَش[۵] سپردندشان
بپروردشان[۶] از ره جادویی[۷]
بیاموختشان کژّی[۸] و بدخویی

ندانست خود جز بد آموختن
جز از کشتن و غارت و سوختن

۱- افسر: تاج. ۲- همچون تاجی بر سر بانوان بودند، بزرگ ایشان بودند. ۳- پوشیده‌رویان: پرده‌نشینان، زنان اندرونی (که به هر کسی روی نمی‌نمایند). ۴- ایوان: کاخ. ۵- اَژدَهافَش: اژدهاوش، اژدهاپیکر، صفتی برای ضحاک که ماردوش بود. «اژدها» را در معنای «مار»، به‌ویژه «مار بزرگ»، به کار می‌برده‌اند. ۶- بپروردشان: تربیتشان کرد، بارشان آورد. ۷- جادویی: سحر و ساحری. ۸- کژّی: ناراستی.

ما با هم بیگانه نیستیم

سطرهایی درباره ریشه‌های تاریخی و اشتراکات فرهنگی ایران و پاکستان

حسن احمدی‌فرد

درنگ

گفت‌وگوهای سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با وزیر فرهنگ و میراث ملی پاکستان را، که پنجشنبه گذشته انجام شد، می‌توان در یک جمله خلاصه کرد؛ چکیده حرف‌های دو وزیر در حاشیه مجمع همکاری‌های فرهنگی آسیا صرفا یادآوری یک نکته است. آن هم اینکه ما با هم بیگانه نیستیم.

در این دیدار، صالحی از اقدامات دولت پاکستان برای تقویت کرسی‌های زبان فارسی تقدیر کرده و مقام پاکستانی هم از ایرانی‌ها دعوت کرده تا پاکستان را بیشتر ببینند و بشناسند. اورنگ زیب خان کهچی به اشتراکات فرهنگی ایران و پاکستان اشاره کرده و گفته که آغوش پاکستان به روی ایرانی‌ها باز است. او از ایران به عنوان کشور برادر یاد کرده است.



اقبال لاهوری



سیدعارف حسین حسینی



اسکندرمیرزا و ناهید امیرتیمورکلالی

میراث‌داران تمدن فارسی

ما با پاکستانی‌ها بیگانه نیستیم. فقط قوالی‌های نصرت فتح علی خان کافی است که ما را پهلو به پهلوی پاکستانی‌ها بنشاند. جایی که قلندرانش صدا به آواز بلند می‌کنند که «نه من بیهوده گرد کوچه و بازار می‌گردم/ مذاق عاشقی دارم پی دیدار می‌گردم...» چطور می‌تواند با ما بیگانه باشد؟ زبان فارسی، با هزار عشوه و کرشمه، ما را به هم پیوند داده، زبانی که تا همین سده‌های اخیر زبان همه شبه قاره بوده. تمدن فارسی، روزگاری، همه این گستره وسیع را به هم پیوند می‌داده. از پاراچنار پاکستان تا کوه‌های کشمیر و از آنجا تا جنگل‌های گجرات، فارسی زبان شعر و ادب بوده، زبان عشق و عاشقی. و مگر نه آنکه هنوز هم اقبال لاهوری شاعر ملی پاکستان است، و مگر نه اینکه بیت‌های بلند ابوالبرکات منیر لاهوری و نورالعین واقف لاهوری و سیدشاه بابا ادیب پیشاوری و هزارویک شاعر پارسی زبان دیگر را هنوز هم می‌توان در شعر و موسیقی آن سامان شنید، یا بر در و دیوار شهرهایش دید؟

به این نام‌ها البته که باید نام امیرخسرو بلخی دهلوی را هم افزود، شاعری که می‌توان از او به عنوان نام دارترین شاعر تمدن فارسی در هند و پاکستان نام برد؛ حتی گفته می‌شود آنچه امروزه زبان اردو خوانده می‌شود و زبان رایج در پاکستان و بخش‌هایی از هند است میراث امیرخسروست، چنان‌که موسیقی هند و پاکستان هم وامدار این ادیب فارسی زبان است. امیرخسرو زاده دهلی است؛ پدرش اما از بلخ به هند گریخته بود و مادرش هندی تبار بود. او با زبان‌های فارسی، عربی، هندی و ترکی آشنایی داشت و همین آشنایی‌ها در آیینه شعر او پیداست. غزل‌های امیرخسرو، در کنار غزل‌های بیدل، هنوز هم پرتکرارترین غزل‌ها در موسیقی هند و پاکستان است، موسیقی‌ای که سری هم در افغانستان و حتی در بخش‌هایی از جنوب شرقی ایران دارد.

خویشاوندان اردوزبان

مشهد مجمع‌الجزایر اقوام و ملیت‌ها بوده و هست. حرم مطهر حضرت رضا(ع) آغوش گشوده‌ای است که همه قومیت‌ها و ملیت‌ها را در پناه خود گرفته است؛ پاکستانی‌ها هم یکی از این ملیت‌ها هستند. حجم این حضور آن قدر هست که برنامه‌های اردوزبان پای ثابت برنامه‌های روزانه حرم مطهر باشد. در تاریخ بلندآستان قدس رضوی، نام‌های فراوانی را می‌توان پی گرفت که به پاکستان می‌رسد. تازه‌ترینشان شیخ جعفر فیاض، خادم پاکستانی حرم مطهر و استاد حوزه علمیه مشهد، که مهرماه ۱۴۰۰ درگذشت.

حرم امام رضا(ع)، در همه تاریخ بلند خود، مقصد دوست‌داشتنی مردمانی بوده که سرزمینشان حالا «پاکستان» نام دارد. وجود موقوفه‌های فراوان در مسیر رسیدن زائران پاکستانی به حرم امام رضا(ع) دلیلی بر همین ادعاست. همین پیشینه تاریخی آستان قدس رضوی را بر آن داشته تا یکی از بزرگ‌ترین زائرسراها را در مرز میرجاوه بناکند، جایی که پاکستانی‌ها تجدید قوا می‌کنند تا بعد به زاهدان برسند و از آنجا راهی مشهد بشوند.

حسینیه پاکستانی‌ها یا «حسینیه شهید عارف‌الحسینی»، در کوچه چارباغ مشهد هم سند دیگری است از این پیوند تاریخی، حسینیه‌ای که نام آن یادآور شهید سیدعارف حسین حسینی، رهبر شیعیان پاکستان، است که امام خمینی(ره) از او به عنوان فرزند خود یاد کرده‌اند. پاکستانی‌ها در مشهد حسینیه دیگری هم دارند که به «حسینیه آل‌عمران» مشهور است.

در ایام محرم و صفر، دسته پاکستانی‌ها، با آیین ویژه عزاداری‌شان، یکی از دسته جاتی است که از کوچه پس‌کوچه‌های اطراف حرم راهی «باب‌الجواد(ع)» می‌شود. عزاداری پاکستانی‌ها یکی از سنتی‌ترین عزاداری‌ها در مشهد است.

قومی که ریشه در اساطیر دارند

این‌ها، همه، البته که درباره پاکستانی هاست و الا حساب قوم بلوچ حساب دیگری است. قوم بلوچ یکی از نام دارترین اقوام ایرانی تبار هستند که در جغرافیایی وسیع، از سرحدات سیستان گرفته تا سواحل مکران، پراکنده‌اند، قومی تاریخی که ریشه در اساطیر دارند.

در «شاهنامه»، هنگامی که سیاووش عزم می‌کند تا با افراسیاب بجنگد، کاووس شاه، پس از مشورت با رستم، به پسر توصیه می‌کند تا سپاهی گران تدارک ببیند که در آن جنگاورانی از همه اقوام ایران زمین حاضر باشند. کاووس شاه به سیاووش می‌گوید که از مردمان بلوچ هم در سپاه خود مردان جنگی داشته باشد.

حکیم توس در نبرد کیخسرو با افراسیاب هم از «اشکش تیزهوش» نام می‌آورد که فرمانده فوجی از بلوچ‌هاست:

سپاهی ز گردان کوچ و بلوچ
سگالیده جنگ و برآورده خوچ
که کس در جهان پشت ایشان ندید
برهنه یک انگشت ایشان ندید
درفشی برآورده پیکرپلنگ
همی از درفشش ببارید جنگ

بلوچ‌های پاکستان هم با هموطنان بلوچ ما در سیستان و بلوچستان هم تیره و هم ریشه هستند و همین وحدت قومی ما را به پاکستانی‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند.

داستان شنیدنی یک پیوند قوم و خویشی

به این وحدت قومی یک پیوند قوم و خویشی را هم باید افزود، پیوندی که داستانی شنیدنی دارد: محمدابراهیم امیرتیمور کلالی، وزیر کار و کشور در کابینه دکتر محمد مصدق، زاده و بالیده تربت جام است. او همان کسی است که مشهدی‌ها پدرش را با نام «نصرت‌الملک» می‌شناسند و عموزاده‌اش را با نام «شوکت‌الدوله». از این حکمران‌های خراسانی، حالا نامی مانده روی کوچه‌هایی در مشهد.

امیرتیمور دختری داشته به نام «ناهید» که پیش‌بینی می‌شده با رجال سرشناس دربار ازدواج کند. در یکی از میهمانی‌های رسمی اما سرپرست وزارت دفاع پاکستان از او خواستگاری می‌کند و طولی نمی‌کشد که ژنرال اسکندرمیرزا، داماد امیرتیمور می‌شود. با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در پاکستان -که به تازگی از هند استقلال یافته- ژنرال اسکندرمیرزا به مقام رئیس جمهوری (نخستین رئیس جمهور) انتخاب می‌شود و بانو ناهید امیرتیمورکلالی می‌شود «بانوی اول» پاکستان.

علاقه اسکندرمیرزا به فرهنگ ایران زمین تا آنجا بوده که وصیت می‌کند او را پس از مرگش در ایران به خاک بسپارند. نخستین رئیس جمهور پاکستان در امامزاده عبدا... شهرری مدفون است.

●●●

این سطرهای پراکنده را با غزلی آشنا از واقف لاهوری به انتها می‌برم، همچنان‌که می‌توان غزلی از امیرخسرو را جایگزین آن کرد، یا بیت‌هایی از منیر لاهوری را، یا شعری از اقبال را.

این غزل واقف را، علاوه بر قوالان پاکستانی، استاد مرحوم محمدحسین سرآهنگ، خواننده سرشناس افغانستانی، و استاد علیرضا قربانی، خواننده نام‌دار ایرانی، به آواز خوانده‌اند.

عنبرین مویی مرا دیوانه کرد
یاسمن بویی مرا دیوانه کرد
ای مسلمانان به فریادم رسید
طفل هندویی مرا دیوانه کرد
فکر زنجیری کنید ای عاقلان
بوی گیسویی مرا دیوانه کرد
پیش هر بیگانه گویم راز خود
آشنارویی مرا دیوانه کرد
می‌زنم خود را به آتش بی‌دریغ
آتشین خویی مرا دیوانه کرد
از حرم لبیک‌گویان می‌روم
جذبه کویی مرا دیوانه کرد
واقف از میخانه و مسجد نی‌ام
چشم و ابرویی مرا دیوانه کرد

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «حراج جهان»

دست‌های پنهان بازار کالاهای اساسی

خاویر بلاس و جک فارچی، دو روزنامه‌نگار سرشناس حوزه انرژی و تجارت کالا، یک بررسی جذاب و عمیق از دنیای مرموز و پرنفوذ تاجران کالاهای اساسی ارائه می‌دهند. این کتاب، که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، نشان می‌دهد که چگونه گروه کوچکی از شرکت‌های خصوصی و افراد قدرتمند کنترل جریان منابع حیاتی مانند نفت، گاز، غلات، فلزات و مواد معدنی را در دست دارند و بر اقتصاد جهانی، سیاست و حتی سرنوشت کشورها تأثیر می‌گذارند.

تمرکز اصلی کتاب روی تجارت کالاهای اساسی است، بازاری که ارزش آن به تریلیون‌ها دلار می‌رسد، اما اغلب از دید عموم پنهان مانده است. نویسندگان، با بررسی تاریخچه این صنعت و نقش کلیدی شرکت‌هایی مانند «گِلنکور»، «ویتول»، «تِرافیگورا» و «کارگیل»، نشان می‌دهند که چگونه این شرکت‌ها، با استفاده از اطلاعات محرمانه، روابط سیاسی و شگردهای مالی، سودهای کلانی به دست می‌آورند و گاهی اوقات قوانین بین‌المللی را دور می‌زنند.

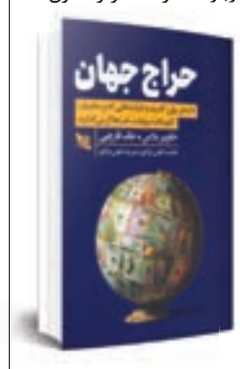
داستان شروع صنعت تجارت کالا به اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ برمی‌گردد، زمانی که شرکت‌هایی مانند «کارگیل» و «لوئی دریفوس» در تجارت غلات و موادغذایی تخصص یافتند. نقش مارک ریچ، تاجر جنجالی نفت، که به عنوان پدرخوانده تجارت مدرن کالا شناخته می‌شود، بسیار مهم است. او، با ایجاد سیستم خریدوفروش نفت خارج از کنترل شرکت‌های نفتی بزرگ (موسوم به «هفت خواهران»)، انقلابی در این صنعت به پا کرد.

در بخش «عصر طلایی تاجران»، نویسندگان به بررسی استراتژی‌های شرکت‌های بزرگی مانند «گلنکور» و «ویتول» می‌پردازند که با خرید معادن، تأسیسات ذخیره‌سازی نفت و شبکه‌های لجستیکْ کنترل بخش عظیمی از عرضه جهانی کالاها را در دست گرفتند.

کتاب، همچنین، به فسادهای گسترده در این صنعت اشاره می‌کند، ازجمله رشوه‌دهی به مقامات دولتی در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین برای کسب امتیازات معدنی، و پرونده‌های حقوقی علیه شرکت‌هایی مانند «ترافیگورا» که به دلیل دفع غیرقانونی زباله‌های سمی در ساحل عاج محکوم شدند.

یکی از نکات جالب کتاب بررسی نقش این تاجران در بحران‌های اقتصادی و سیاسی است؛ در بحران مالی ۲۰۰۸، برخی از این شرکت‌ها، با پیش‌بینی سقوط بازار مسکن، از طریق معاملات آتی کالا سودهای کلانی کسب کردند. در طول همه‌گیری کووید ۱۹، برخی تاجران، با احتکار مواد پزشکی و افزایش مصنوعی قیمت‌ها، به ثروت خود افزودند. همچنین، در جنگ اوکراین و روسیه، شرکت‌هایی مانند «گلنکور» همچنان به خرید فلزات و نفت از روسیه ادامه دادند، درحالی‌که بسیاری از کشورها تحریم‌ها را اعمال کرده بودند.

کتاب «حراج جهان»، نشان می‌دهد که چگونه قدرت واقعی اقتصاد جهانی در دستان گروهی محدود از تاجران است که خارج از رادار افکار عمومی عمل می‌کنند. این کتاب هم یک گزارش تحلیلی است و هم یک هشدار درباره خطرات تمرکز کنترل منابع جهان در دست عده‌ای معدود.



«حراج جهان: داستان پول، قدرت و شرکت‌هایی که بر مناسبات کشورها و سرنوشت ملت‌ها اثر می‌گذارند»، نوشته خاویر بلاس و جک فارچی، ترجمه فاطمه ذکاوتی قراگزلو، نشر گوتنبرگ، ۴۱۸ صفحه، ۵۱۸ هزار تومان.

منبع: گسترش فرهنگ و مطالعات

صاحب‌خبر

استقبال کره‌ای‌ها از کتاب جدید هم‌وطنشان که برنده نوبل شد

فروش ۱۰ هزار نسخه در روز اول انتشار



هان کانگ حین سخنرانی در مراسم اهدای جایزه نوبل

کتاب جدید هان کانگ، در روز اول انتشارش در کره جنوبی، به صورت آنلاین ۱۰ هزار نسخه فروخت.

به گزارش خبرگزاری «مهر»، به نقل از «گاردین»، کتاب «نور و نخ»، اولین کتاب هان کانگ، برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۴، که پس از کسب این جایزه منتشر می‌شود، در کره جنوبی، زادگاه وی، با اقبال مواجه شد.

این کتاب، که سخنرانی جایزه نوبل هان کانگ را هم دربرمی‌گیرد و عنوان آن نیز برگرفته از همان است (که ماه دسامبر و هنگام دریافت جایزه در استکهلم ایراد شد)، در اولین روز فروش آنلاین خود، ۱۰ هزار نسخه فروش کرد.

کتاب فروشان و منابع انتشاراتی به روزنامه کره‌ای «جونگ آنگ» گفتند که حدود ده هزار نسخه از این کتاب در ۲۴ ساعت فروخته شده که درمجموع برابر حدود ۹۰ درصد از بازار کتاب آنلاین کره است.

این کتاب ۱۷۲ صفحه‌ای شامل دوازده قطعه است که با سخنرانی نوبل آغاز می‌شود. هان در این سخنرانی درباره رمان‌هایی ازجمله «گیاه خوار» و «اعمال انسانی» و فرایند نوشتن خود صحبت کرده بود.

کتاب «نور و نخ»، به جز سخنرانی نوبل و نوشته‌های مربوط به آن، حاوی یادداشت‌های جدید و پنج شعر نیز هست که پیش از این، در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، در مجله‌های ادبی کره منتشر شده بودند.



طبق گزارش کتاب فروشی آنلاین «یس ۲۴»، حدود ۷۳.۳ درصد از خریداران این کتاب را زنان تشکیل داده‌اند، و گفته شده ۴۷.۱ درصد از خریداران کتاب زنان سی تا چهل ساله بودند.

قرار است نسخه انگلیسی کتاب «نور و نخ» هم منتشر شود، اما تاریخ انتشار آن هنوز اعلام نشده است.

نگاهی به مجموعه‌داستان «تاریخ جهانی بدنامی» از خُرخه لوئیس بُرخس

تأملی ادبی-فلسفی در ماهیت قدرت، خشونت و اخلاق

معرفی کتاب

آیا آثار غول ادبیات اسپانیایی‌زبان را درست خوانده‌ایم؟ متأسفانه، بسیاری از ما برخس را فقط از طریق گزیده‌های پراکنده و ترجمه‌هایی نه چندان دقیق می‌شناسیم، ترجمه‌هایی که ترتیب تاریخی آثار و سیر تحول نویسنده را نادیده گرفته‌اند، معیار مشخصی برای انتخاب داستان‌ها نداشته‌اند، اغلب به متن اصلی اسپانیایی وفادار نبوده‌اند، از پانویس‌های ضروری برای درک هزاران ارجاع فرهنگی، تاریخی و ادبی برخس چشم‌پوشی کرده، و، درنهایت، با نثری نامناسب، وگاه گنگ، حق مطلب را ادا نکرده‌اند.

«تاریخ جهانی بدنامی» اولین مجموعه داستان منتشرشده از خرخه لوئیس برخس، نویسنده آرژانتینی، است که در سال ۱۹۳۵ به چاپ رسید. این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است که حول محور جنایت‌کاران، کَلّاشان و شخصیت‌های شرور تاریخ می‌چرخد. برخس در این اثر، با نثری فشرده و پر از ایجاز، داستان‌هایی را روایت می‌کند که اغلب برپایه منابع واقعی یا افسانه‌های تاریخی شکل گرفته‌اند.

کتاب «تاریخ جهانی بدنامی»، ترجمه سپاس ریوندی، اولین مجلد از داستان‌های برخس، حاصل طبع آزمایی او در جوانی، با انسجامی قدرتمند و جذاب، است، فرصتی برای خواندن برخسِ واقعی، آن‌گونه که باید خوانده شود. «تاریخ جهانی بدنامی»، نه تنها اولین کتاب داستانی برخس، بلکه آزمایشگاهی برای سبک منحصربه‌فرد اوست. این اثر را می‌توان پیش‌درآمدی بر شاهکارهای بعدی او مانند «الف» یا «کتابخانه بابل» دانست.

برخس، در این کتاب، مرز بین واقعیت و افسانه را محو می‌کند (مثلا با اضافه‌کردن جزئیات ساختگی به روایت‌های واقعی) و نقش راوی غیرقابل‌اعتماد را پررنگ می‌کند، طوری که خواننده همیشه در شک می‌ماند که آیا داستان‌ها حقیقت دارند یا ساخته ذهن نویسنده هستند. برخس، عمدا، منابعی جعلی یا نیمه‌واقعی را نقل می‌کند (مثلا، کتاب‌هایی که وجود ندارند یا مورخان خیالی). این کار به داستان‌ها حالتی کتابخانه‌گونه می‌دهد، گویی خواننده در حال مطالعه یک دانشنامه سیاه از جنایت است. برخس، با این کار، به تاریخ‌نگاری رسمی طعنه می‌زند و نشان می‌دهد که حتی تاریخ معتبر هم می‌تواند پر از دروغ باشد.



برخلاف رمان نویسان کلاسیک، که به توصیفات طولانی علاقه دارند، برخس در این کتاب هر داستان را در چند صفحه خلاصه می‌کند، از جمله‌های کوتاه و پرتکرار استفاده می‌کند و جزئیات نامربوط را حذف می‌کند تا تمرکز خواننده روی نقاط اخلاقی یا فلسفی داستان باقی بماند.

برخس در هر داستان لهجه روایی متفاوتی را امتحان می‌کند: گاه شبیه روایت‌های مذهبی قرون وسطی می‌نویسد، گاه از سبک روزنامه‌نگاری زرد تقلید می‌کند و گاه طنز تلخ را با تراژدی می‌آمیزد. او نشان می‌دهد که شر مطلق وجود ندارد، بسیاری از جنایت‌کاران کتاب، در عین وحشی‌گری، قوانین رفتاری خاص خود را دارند (مثل دزد دریایی‌ای که به قولش وفادار است) و گاهی قهرمانان رسمی تاریخ (مثل پادشاهان یا قضات) از جنایت‌کاران کتاب بی‌اخلاق‌تر هستند.

برخس علاقه دارد نشان دهد که قدرتْ نوعی تئاتر است: شخصیت‌هایی مثل کلاهبرداران یا دزدان با جعل هویت به قدرت می‌رسند؛ حتی خشونت هم نمایشی است (مثل اعدام‌های عمومی که برای ترساندن مردم طراحی شده‌اند).

این کتاب پایه‌گذار ژانر داستان‌های تاریخی-تخیلی بانگاه پست مدرن شد. نویسندگانی مثل اومبرتو اکو و ایتالو کالوینو از تکنیک‌های برخس در این کتاب الهام گرفتند و فیلم سازی مثل کوئنتین تارانتینو در شخصیت پردازی ضدقهرمان‌هایش از جنایت‌کاران برخسی تأثیر پذیرفته است.

«تاریخ جهانی بدنامی» فقط مجموعه‌ای از داستان‌های جنایی نیست، بلکه تأملی ادبی-فلسفی در ماهیت قدرت، خشونت و اخلاق است. برخس، از طریق این داستان‌ها، به ما یادآوری می‌کند که تاریخ را همیشه پیرمردان نوشته‌اند، پس جای تعجب نیست که جنایت‌کاران به عنوان شر محض تصویر شده‌اند.

همچنین، برخس با این مجموعه داستان به ما نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند از واقعیت فراتر برود و حقیقت عمیق‌تری را فاش کند.

«تاریخ جهانی بدنامی»، نوشته خُرخه لوئیس بُرخس، ترجمه سپاس ریوندی، نشر مد، ۱۷۶ صفحه، ۱۶۰ هزار تومان.

منبع: ناشر، گسترش فرهنگ و مطالعات